

The Letter Sīn as a Sign of Emphasis in the *Qur'ān* and the Judgment of *Qur'ān* Commentators and Translators about It



Hoseyn Morādi Zanjāni

Assistant Professor, Department of *Qur'ān* and Hadith Studies,
Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran
(corresponding author: hmoradiz@yahoo.com).

Moḥammad 'Alī Lesānī Feshārakī

Former assistant professor of theology, Department of *Qur'ān* and Hadith Studies,
Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran.

Abstract

In spite of its significant use in the Holy *Qur'ān*, the Sīn of emphasis is still strange and unknown, its uses are mainly attributed to the sin of *taswīf* or *Istiqbāl*, and its precise and sensitive position is neglected. In this study, we assume that many cases of the use of the letter Sīn on the participle verb in the *Qur'ān* are for emphasis on the verb after itself; not to convey the meaning of waiting and delay. Based on this assumption, we will try to describe and analyze the opinions about the meaning of this letter in the verses of the *Qur'ān* by extracting the cases of the use of the letter Sīn in the *Qur'ān* and referring to various interpretations and books on the grammar and 'Ulūm al-*Qur'ān* and the famous Persian translations of the *Qur'ān*. We want to defend this hypothesis that many cases of the use of Sīn on the present participle in the Holy *Qur'ān* are not for delay and waiting - as most of the commentators and translators have imagined - but to indicate emphasis, and it should be done when Its translation is equivalent to words such as certainly, of course, in fact, undoubtedly, inevitably, inevitably, constantly, continuously etc.

Keywords: The Arabic Letter of Sīn, Meanings of letters, Emphasis, Ḥarf al-Taḥqīq, Ḥarf al-Istiqbāl.

Original Research

Received: 22/ 11/ 2021, accepted: 13/ 6/ 2022, and published: 4/ 7/ 2022, Pages: 153-183.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOI:

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



سین تأکید یا تحقیق در قرآن و نگاه مفسران و مترجمان به آن

حسین مرادی زنجانی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران
(نویسنده مسئول: hmoradiz@yahoo.com).

محمدعلی لسانی فشارکی

استادیار پیشین گروه الهیات، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

چکیده

سین تأکید یا تحقیق به‌رغم کاربرد قابل توجهی که در قرآن کریم دارد، هم‌چنان غریب و ناشناخته است، عمدتاً کاربردهای آن به حساب سین تسویف یا استقبال گذاشته، و از جایگاه دقیق و حساس آن غفلت می‌شود. در این مطالعه با این فرض که بسیاری از موارد کاربرد حرف سین بر سر فعل مضارع در قرآن برای تأکید و تحقیق فعل پس از خود است و نه برای افاده معنای تسویف و استقبال، تلاش خواهیم کرد با استخراج موارد کاربرد حرف سین در قرآن و مراجعه به تفاسیر مختلف و کتب نحو و علوم قرآن و ترجمه‌های مشهور فارسی قرآن، به توصیف و تحلیل آراء درباره معنا و مفهوم این حرف در آیات قرآن بپردازیم. بناست از این فرضیه دفاع کنیم که بسیاری از موارد کاربرد سین بر سر فعل مضارع در قرآن کریم نه برای تسویف و استقبال — آن‌گونه که عمده مفسران و مترجمان تصور کرده‌اند — بل که از برای دلالت بر تأکید و تحقیق است و باید هنگام ترجمه آن را معادل کلماتی مانند یقیناً، البته، درواقع، بی‌شک، لامحاله، ناگزیر، دائماً، پیوسته و امثال آن‌ها گرفت.

کلیدواژه‌ها: حرف سین، معانی حروف، تأکید، تحقیق، تسویف، استقبال.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱ ش، پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۳ ش، نشر: ۱۴۰۱/۴/۱۳ ش، صفحه ۱۵۳ تا ۱۸۳.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۲۷۸۳-۵۲۹۴

شاپای الکترونیکی: ۲۷۸۳-۵۳۰۸

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

DOI:

درآمد

زبان عربی قرآن اسالیب ویژه خود را دارد که در عربی غیر قرآن وجود ندارد. برخی از مفسران و مترجمان قرآن در طول تاریخ اسلام خصائص زبان قرآن را در نظر نگرفته‌اند و کاربردهای مختلف آن را از هر جهت برپایه کاربردهای زبان عربی متداول تفسیر نموده، و تلاش کرده‌اند که تمامی آداب و قواعد صرف و نحو رایج را بر قرآن حمل کنند و در موارد مخالفت قرآن با این قواعد نیز به توجیه آیات بپردازند. معانی حروف یکی از حوزه‌هایی است که قرآن کریم در به‌کار بستن آن‌ها اسالیب و خصائص منحصر به فردی را دارد. این امر اقتضاء می‌کند معانی حروف قرآن یک‌به‌یک مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

طرح مسئله

حرف سین بر سر فعل مضارع به‌طور چشم‌گیر در قرآن به کار رفته است. اغلب مفسران و مترجمان با این فرض که سین و سوف همیشه حاکی از تسویف و استقبال اند، همه موارد کاربرد سین در قرآن را از باب تسویف و استقبال دانسته، و به این‌که در بسیاری از موارد ممکن است چنین کاربردی برای افاده معنای تأکید و تحقیق باشد کم‌تر توجه کرده‌اند. در نتیجه، دلالت حرف سین بر تأکید و تحقیق در میان مفسران و مترجمان و نحویان همواره غریب و ناشناخته بوده، و اکنون نیز چنین است.

شهرت این نگرش که سین همواره بر استقبال دلالت می‌کند سبب شده است عملاً در آثار عالمان معانی و نحو مطالعه‌ای نیز یادکرد مستقلی از این نوع سین در علوم عربیت صورت نگیرد و جایگاه و تشخیصی به آن داده نشود. در دوران معاصر نیز درباره امکان دلالت سین بر معنایی دیگر صورت نگرفته است.

از معدود نشانه‌های تردید در این نگرش رایج را می‌توان در اثر محمد خالق عضیمه مشاهده کرد. وی در کتاب *دراسات لاسلوب القرآن* تنها حدود یک صفحه را تحت عنوان «هل تُفیدُ السَّيْنُ وَ سَوْفَ تَحَقُّقُ الْوَقُوعُ؟» به این اختصاص می‌دهد که با یادکرد مثال‌هایی خاطرنشان سازد زمخشری حرف سین در چند کلمه از قرآن را از باب بیان تحقق وقوع دانسته است. وی در ادامه نیز، نظر مخالف ابوحنیان اندلسی را نقل می‌کند و بحث دیگری به آن

نمی‌افزاید (عضیمه، *دراسات لاسلوب القرآن*، ۲ / ۱۷۴). براین پایه، تنها نمونه‌های توجه به معناهای دیگر سین بر سر فعل مضارع را باید در لابه‌لای تفاسیر قرآن کریم جست؛ آن جاها که مفسران به ضرورت توضیح معنای آیه‌ای وادار شده‌اند سین را معنا کنند و در حمل آن بر استقبال احساس تکلف داشته‌اند.

مطالعه کنونی در کوشش برای تأمل در همین صورت می‌گیرد که چه قدر محتمل است کاربردهای سین در قرآن دلالت بر معنایی غیر از استقبال — مثل همان بیان تحقق وقوع که عضیمه از قول زمخشری نقل می‌نمود — داشته باشند. می‌خواهیم بدانیم: اولاً، چه شواهدی می‌توان از کاربرد سین برای دلالت بر تأکید بر تحقق وقوع یافت؛ ثانیاً، چه مفسرانی پیش از این به چنین معنایی توجه نشان داده‌اند؛ ثالثاً، چه عواملی سبب شده است عمده مفسران به کاربردهای سین در این معنا کم‌تر توجه نشان دهند.

در کوشش برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق، نخست موارد کاربرد حرف سین بر سر فعل مضارع در قرآن را استقصاء و استخراج می‌کنیم. آن‌گاه ذیل آیات مشتمل بر این حرف، به تفاسیر و ترجمه‌های مشهور قرآن مراجعه، و آراء مختلف درباره معنای حرف سین در این آیات را تحلیل و ارزیابی می‌کنیم. درنهایت، خواهیم کوشید مجموع شواهد حاکی از این را که سین می‌تواند بر معنای تحقیق و تأکید نیز دلالت نماید جمع‌بندی کنیم و بحث را برپایه آن‌ها به نتیجه برسانیم.

دستاورد نظری چنین مطالعه‌ای توسعه بحث‌ها درباره معانی حروف در قرآن کریم است. افزون‌براین، دستاوردهای این مطالعه می‌تواند نمونه‌ای باشد از تغییر معانی و کاربردهای حروف در زبان عربی، و مثالی بارز برای تفاوت زبان عربی قرآن با زبان عربی کلاسیکی که در سده‌های بعد از نزول قرآن کریم در جوامع اسلامی رواج یافت. فراتر از این دستاوردهای نظری، این مطالعه دستاوردهای عملی نیز دارد. حاصل این مطالعه مترجمان و مفسران قرآن را ملزم می‌کند که از این‌پس نگاه جدیدی به حرف سین داشته باشند و همه موارد کاربردش در قرآن را — چنانچه اغلب چنین بوده است — از باب تسویف و استقبال نینگارند.

ناگفته پیداست که بر فهم نوین و متفاوت از آیات، آثار نظری و عملی نوین و متفاوتی نیز مترتب خواهد شد. از جمله، برخی آیات که تاکنون ناظر به آینده — و مثلاً صرفاً جهت وصف

قیامت و آخرت – تلقی می‌شدند، اکنون در پرتو تأکیدی دانستن حرف سین ناظر به حال حاضر – و مثلاً حاکی از لزوم اصلاح وضع کنونی – جلوه خواهند کرد.

۱. حرف سین در زبان عربی

حرف سین به مثابه لفظی فاقد معنا، یکی از حروف الفبائی در زبان عربی، دوازدهمین حرف به ترتیب حروف الفباء، پانزدهمین حرف به ترتیب حروف ابجدی، و معادل عدد ۶۰ در حساب جُمَّل است. این حرف از میان نوک زبان و دندان‌های ثنایای بالا تلفظ می‌شود. حرف سین از حروف لسانی است؛ یعنی حروفی که به کمک زبان تلفظ می‌شوند. نیز، از جمله حروف مهموسه است؛ یعنی حروفی که جریان تنفس به هنگام تلفظ آن‌ها حبس نمی‌شود. از همین رو، دارای صفت صغیر یعنی صدایی مانند صدای سوت است (بابتی، *المعجم المفصل*، ۱/ ۵۴۶). سین در زبان عربی افزون‌براین، گاهی نیز در زمره حروف است؛ یعنی از جنس الفاظ دارای معنا، و به مثابه یکی از اقسام سه‌گانه کلمه (= اسم، فعل، حرف). موضوع بحث در این مطالعه سین به مثابه کلمه است. هر جا در این مقاله به «حرف» سین اشاره می‌کنیم، همین معنا را در مد نظر داریم.

۱-۱) بیان اقسام سین و تحریر محل نزاع

سین به مثابه لفظی معنادار از جنس حروف، بنابر مباحثی که در کتب صرف و نحو عنوان شده است انواعی دارد؛ از جمله، سین گاهی حرف استقبال است که بر سر فعل مضارع می‌آید و معنای آن را به استقبال و آینده اختصاص می‌دهد. به همین ترتیب، سین گاه در آخر کلمه نیز می‌آید؛ مانند سین وقف که در کاربرد برخی قبائل عربی، به هنگام وقف بعد از کاف خطاب قرار می‌گیرد تا حرکت کاف مشخص بماند؛ مانند «رَأَيْتُ أُمَّكَ» که به هنگام وقف، به صورت «أُمَّكَس» خوانده می‌شود (ابن‌ام‌قاسم، *الجنی الدانی*، ۱/ ۶۰).

حرف سین گاه در وسط فعل نیز می‌آید، مانند حرف سین که در باب استفعال – از ابواب ثلاثی مزید – زائد بر حروف اصلی و قبل از حرف تاء قرار می‌گیرد و خود بر چند گونه است: سین طلب مانند «اسْتَعَطُّتُهُ»، یعنی عطوفتش را طلبیدم؛ سین ادراک و وجدان مانند «اسْتَحَسَّنْتُ الرَّأْيَ»، یعنی این نظر را مناسب یافتم؛ سین تکلف مانند «اسْتَجْرَأَ الْجَبَانُ»، یعنی شخص ترسو

خود را مکلف به جرأت و جسارت کرد؛ سین استعمال مانند «استأجرته»، یعنی او را اجیر کردم؛ سین صیوررت مانند «استحجر الطین»، یعنی گل تبدیل به سنگ شد یا «استأسد الکلب» (سگ مانند شیر شد)؛ سین مطاوعه مانند «داویت المریض فاستعاد صحته»، یعنی مریض را مداوا کردم و سلامتی اش را بازیافت؛ و سین مفعولیت مانند: «استکبرت الدرر»، یعنی درس را بزرگ یافتم (امیل بدیع یعقوب، موسوعة النحو، ۱/۳۹۵).

از میان این استعمالات، موضوع بحث ما در این مطالعه صرفاً همان حرف سین است که بر اول فعل مضارع افزوده می شود و در اغلب مواقع با عنوان «حرف استقبال» آن را می شناسند. از این سین گاه تحت عنوان حرف تنفیس و توسعه یا توسع نیز یاد می شود؛ از این جهت که زمان فعل مضارع را از حالت ضیق رها می سازد و وسعت می بخشد. نیز به آن حرف تخصیص گفته می شود؛ از این جهت که زمان حال را به استقبال اختصاص می دهد و خود نیز اختصاصاً بر سر فعل مضارع داخل می شود (سیوطی، الاتقان، ۲/۲۳۳؛ همو، معترك الاقران، ۳/۲۲۳).
 باین حال، هم چنان که خواهد آمد، سین استقبال به خودی خود نشان دهنده زمان آینده نیست؛ بل که توأم با قرائنی بر استقبال دلالت می کند؛ کما این که نام دیگر این حرف سین توسعه یا توسع و تنفیس است (طریحی، مجمع البحرین، ۲/۳۱۴). به بیان دیگر، حرف سین زمان فعل مضارع بعد از خود را توسعه می دهد؛ نه این که آن را صرفاً به استقبال اختصاص دهد. از سوی دیگر، چنین نیست که فعل مضارع فقط در صورت همراهی با سین یا سوف به استقبال دلالت کند؛ بل که در شرایط دیگری نیز بی آن که سین یا سوف در کار باشد بر زمان مستقبل دلالت دارد (عباس حسن، النحو الوافی، ۱/۶۰).

از نظر برخی عالمان نحو و مفسران، همین سین افزوده بر سر فعل مضارع گاهی نیز حرف استمرار است؛ یعنی نه برای افاده معنای استقبال، بل که برای القاء استمرار به کار می رود. سیوطی (درگذشته ۹۱۱ق) کاربرد سین در آیات زیر را از همین قبیل می داند (برای نمونه، بنگرید به: سیوطی، الاتقان، ۲/۲۳۳):

سَتَجِدُونَ آخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ... (نساء/۹۱).

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبَلِهِمُ الَّذِينَ كَانُوا عَلَيْهِمْ... (بقره/۱۴۱).

پیش از وی ابن هشام (درگذشته ۷۶۱ق) کاربرد حرف سین برای دلالت حرف سین بر چنین

معنایی را غریب و بعید انگاشته است. ابن هشام معتقد است که استمرار از خود صیغه مضارع فهمیده می‌شود و نیازی نیست که سین بر چنین معنایی دلالت داشته باشد. وی بر این مبنا می‌گوید سین در این گونه مثال‌ها نیز بر همان معنای استقبال باقی است (ابن هشام، *معنی اللیب*، ۲ / ۳۲۷؛ نیز، برای بازتاب همین درک در تفاسیر، بنگرید به: ابوحنان، *البحر المحيط*، ۴ / ۱۷).

دلالت سین در آغاز فعل مضارع بر استقبال به قدری از نگاه عالمان نحو بدیهی انگاشته می‌شود که برخی حتی قائل شده‌اند که سین از سوف اقتباس شده است. آن‌ها دو حرف «سو» و «سی» را نیز که در لهجه‌های عربی مختلف به معنای سوف استعمال می‌شوند شاهدهی بر این گرفته‌اند که سین هم باید کاربرد و معنایی مشابه همان دو داشته باشد. صرفاً عالمان نحوی مکتب بصره با این دیدگاه مخالفت نموده‌اند. بصریان گفته‌اند که سین حرف اصیل است و از چیز دیگری برگرفته نشده است. از نگاه ایشان سین معنای خاص خود را دارد و با معنای سوف متفاوت است.

آن‌ها در توضیح این تفاوت معنایی گفته‌اند که معنای تراخی در سَوَفْ بیش‌تر از سین است (ابن‌ام‌قاسم، *الجنی الدانی*، ۱ / ۶۰). از میان نحویان متأخر، ابن‌مالک (درگذشته ۶۷۲ق) دیدگاهی مخالف با نظر بصریان ابراز داشته، و گفته است سین و سوف معنایی مشابه دارند و به جای هم‌دیگر نیز به کار می‌روند (ابن‌مالک، *تسهیل الفوائد*، ۵-۶؛ نیز، بنگرید به: بابتی، *المعجم*، ۱ / ۵۴۶).

۲-۱) سین تأکید

برخی نحویان در بیان فرق میان سین و سوف گفته‌اند که در کاربردهای سین دلالتی بر تأکید نیز می‌توان دید؛ حال آن‌که سَوَفْ دلالتی بر جزم و قطعیت ندارد. آن‌ها گاه دلالت سین بر تأکید را چنین تفسیر کرده‌اند که سین بر آینده‌ای محتوم و نزدیک و محقق‌الوقوع، و سوف بر آینده‌ای نه لزوماً نزدیک دلالت می‌کند (بنگرید به: عباس حسن، *النحو الوافی*، ۱ / ۶۰).
باین حال، عالمان نحو کم‌تر به این معنای حرف سین توجه نشان داده، و چندان شهرت و تشخیصی به آن نبخشیده‌اند؛ شاید از آن‌رو که در زبان عربی سده‌های متأخرتر این کاربرد کاهش پذیرفته است.

با این حال، چنان‌که پیش از این یاد شد، برخی مفسران در خلال مباحث تفسیری و به مناسبت کاربردهای قرآنی، به وجود چنین معنایی برای حرف سین در برخی آیات قرآن پی برده‌اند. شماری از عالمان مسلمان کاربرد سین بر سر فعل مضارع در همین معنا را حتی در برخی روایات هم بازجسته‌اند. برای نمونه، مجلسی احتمال داده است که سین در آغاز روایت زیر برای تأکید و تحقیق باشد:

سَيَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ تَحُبُّ فِيهِ سَرَائِرُهُمْ وَتَحْسُنُ فِيهِ عَلَانِيَتَهُمْ طَمَعًا فِي الدُّنْيَا... (مجلسی، بحار الأنوار، ۲۹۰/۶۹).

برخی عالمان نحو گفته‌اند اگر سین در این معنا به کار برود، جواب آن با کاربرد حرف «لن» خواهد بود؛ مانند: «لَنْ تَفْعَلَ» در پاسخ کسی که می‌گوید: «سَأَفْعَلُ كَذَا» (سیویه، الکتاب، ۲۱۷/۴؛ نیز، بنگرید به: زرکشی، البرهان، ۵۱۶/۲). بر این پایه، اگر بخواهیم سین تأکید را به فارسی ترجمه کنیم، برابر نهاده دقیق آن صورت‌های مختلف فعل کمکی از بُنِ «خواه» است که به صورت ترکیبی قبل از افعال اصلی می‌آیند؛ مثل خواهم زد، خواهم رفت، یا خواهم گفت. سبب حکم ما به چنین تناسبی میان مشتقات فعل کمکی خواستن با سین تأکید همان است که خواستن در فارسی از مصمّم، طالب، مشتاق و آرزومند بودن حکایت می‌کند (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۰۰۳۲/۷).

فعل کمکی مشتق از «خواستن» توأم با قرائن دیگر می‌تواند بر زبان آینده دلالت کند و مفهوم فعل اصلی را به آینده تخصیص دهد. با این حال، به خودی خود اختصاصی به زمان آینده ندارد؛ بل که نشان‌دهنده جدیت و قاطعیت و تصمیم و عزم است. وقتی مثلاً می‌گوییم: می‌خواهم بروم، می‌خواهم زندگی کنم، یا می‌خواهم درس بخوانم، مفهوم این جملات لزوماً این نیست که تاکنون نرفته‌ام و زندگی نکرده‌ام و درس نخوانده‌ام و اکنون نیز نمی‌روم و زندگی نمی‌کنم و درس نمی‌خوانم و صرفاً در آینده نزدیک می‌خواهم بروم و زندگی کنم و درس بخوانم. کلمه «می‌خواهم» در این قبیل عبارات حاکی از خواسته و تصمیم جدی داشتن و قاطعیت و عزم و اشتیاق است.

۳-۱) گستره کاربرد سین تأکید در قرآن

عمایره و سید برای کاربرد حرف سین در قرآن بر سر فعل مضارع ۱۱۹ نمونه یافته‌اند

(بنگرید به: عمایره و سید، معجم الادوات، ذیل حرف سین). بازبینی مؤلفان این مقاله نیز درستی آمار ایشان را تأیید می‌کند. این کاربردها را می‌توان به شرح زیر برشمرد. عدد مقابل هر واژه نشانه شمار کاربرد آن در قرآن است:

سَأَلْتُو، سَأَيْتُمْ، سَأَزْهَقُهُ، سَأَرِيكُمْ ۲، سَأَسْتَغْفِرُ، سَأَصْرَفُ، سَأُصْلِيهِ، سَأَلْتِي،
 سَأْتِيكَ، سَأَنْزِلُ، سَأَوِي، سَتَجِدُنِي ۳، سَتَجِدُونَ، سَتَذْكُرُونَهُنَّ، سَتَرْدُونَ،
 سَتُعَلِّبُونَ، سَتُكْتَبُ، سَتَجْزِي ۲، سَتُدْخِلُهُمْ ۲، سَتُدْعُ، سَتُرَاوِدُ، سَتُرِيهِمْ، سَتَزِيدُ ۲،
 سَتَسْتَدْرِجُهُمْ ۲، سَتَسْمُهُ، سَتَشُدُّ، سَتُطِيعُكُمْ، سَتُعَذِّبُهُمْ، سَتُعِيدُهَا، سَتَفْرُغُ، سَتُقْتَلُ،
 سَتُقْرَبُكَ، سَتَقُولُ، سَتُكْتَبُ ۲، سَتُلْقِي ۲، سَتُمَتَّعُهُمْ، سَتَنْظُرُ، سَتُؤْتِيهِمْ، سَيَبْطَلُهُ،
 سَيَجْزُونَ ۲، سَيَجْزِي، سَيَجْزِيهِمْ ۲، سَيَجْعَلُ ۲، سَيَجَنَّبُهَا، سَيَحْبِطُ، سَيَحْلِفُونَ ۲،
 سَيَدْخُلُهُمْ، سَيَدْخُلُونَ، سَيَذَكَّرُ، سَيَرْحَمُهُمْ، سَيَرِي، سَيَرِيكُمْ، سَيَصِلُونَ، سَيَصِلَإِي،
 سَيَصِيبُ ۲، سَيُصِيبُهُمْ، سَيَطُوقُونَ، سَيَعْلَمُ ۲، سَيَعْلَمُونَ ۳، سَيَغْفِرُ، سَيَغْلِبُونَ،
 سَيَقُولُ ۴، سَيَقُولُونَ ۴، سَيَكْفُرُونَ، سَيَكُونُ، سَيَأْتِيهِمْ، سَيَهْدِين ۳، سَيَهْدِيهِمْ،
 سَيَهْرَمُ، سَيُؤْتِينَا، فَسَأَكْتُمُهَا، فَسَتَنْصِرُ، فَسَتَذْكُرُونَ، فَسَتَرْضَعُ، فَسَتَعْلَمُونَ ۳، فَسَنَسِرُّهُ
 ۲، فَسَيَأْتِيهِمْ، فَسَيَحْشُرُهُمْ، فَسَيَدْخُلُهُمْ، فَسَيَرِي، فَسَيَعْلَمُونَ ۲، فَسَيَقُولُونَ ۴،
 فَسَيَكْفِيكَهُمْ، فَسَيَنْغِضُونَ، فَسَيُنْفِقُونَهَا، فَسَيُؤْتِيهِ.

می‌توان احتمال داد که حرف سین دست‌کم در برخی از این موارد برای تأکید و تحقیق به کار رفته، و افعال مضارع بعد از خود را تقویت کرده باشد. باین‌حال، عمده مفسران و مترجمان همه موارد یادشده را سین استقبال فرض کرده‌اند. برخی از ایشان حتی در یک مورد نیز به وجود سین تأکید و تحقیق در قرآن اشاره نموده‌اند. گویی پیش‌فرض آنان این بوده است که حرف سین در آیات قرآن تنها برای تسویف و استقبال به کار می‌رود و با بدیهی‌انگاری این امر اشاره به نوع دیگری از سین نداشته‌اند؛ گویی غیر از تسویف و استقبال کارکرد دیگری برای سین نمی‌شناخته‌اند.

باین‌همه، مفسرانی معدود بوده‌اند که به وجود و تکرار این حرف در قرآن تظن یافته، بر جایگاه آن تأکید نموده، و موارد آن را مشخص کرده‌اند. خاصه زمخشری (درگذشته ۵۳۸ق) در کشف و شناسایی سین تأکید و تحقیق در قرآن پیش‌تاز است. باری، تصریحات این قبیل

مفسران — که در خلال کوشش آن‌ها برای ارائه فهمی دقیق و دور از تکلف از قرآن صورت گرفته است — می‌تواند گواهی بر این معنا باشد که کاربردهای سین برای افاده معنای تأکید و تحقیق در قرآن پرشمار است. افزون بر مفسران، در شماری از ترجمه‌های فارسی قرآن هم کوشش برای ارائه ترجمه‌ای متفاوت از این سین را می‌توانیم مشاهده کنیم؛ گرچه صاحبان این ترجمه‌ها البته در ضمن ترجمه آیات فرصتی برای توضیح بیش‌تر دریافت خود از آیات نداشته‌اند. گذشته از این موارد شاید بتوان با مرور آیاتی از قرآن هم این نکته را باز نمود که حمل سین بر تأکید و تحقیق در مواردی پذیرفتنی‌تر به نظر می‌رسد.

از مجموع آنچه گفته شد می‌توان دریافت هرگاه قرار باشد شواهدی برای دلالت سین بر تأکید و تحقیق بیابیم، این شواهد را در چند جا می‌توانیم جستجو کنیم: یکی، در مرور خود آیات قرآن کریم و با نشان دادن این‌که معنای آیه با حمل سین بر تأکید و تحقیق مستقیم‌تر خواهد بود؛ و دیگری، در مرور اقوال مفسران و مترجمان قرآن کریم.

۲. دلالت بافت بر تحقیقی بودن سین

اکنون در این مرحله باید با مرور شواهد نشان دهیم کاربردهای سین در معنای تحقیق و تأکید پرشمار است. بدین منظور، باید مواردی در قرآن بیابیم که بافت آیه و دیگر قرائن لفظی و معنوی مؤید دلالت سین بر تحقیق و تأکید باشند.

۱-۲) سَيِّكُونُ

از این قبیل می‌توان کاربرد «سَيِّكُونُ» در آیه ۲۰ سوره مَزْمَل را مثال آورد:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ
وَاللَّهُ يَقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُحْصَوْهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ
عَلِمَ أَنَّ سَيِّكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ
وَآخَرُونَ يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا
اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا
وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

بر پایه این آیه، خداوند به منظور تسهیل امر قرائت قرآن دسته‌هایی از مردم را باز می‌شمارد و بیان می‌دارد آن‌ها همه به یک شکل و در یک شرایط مشخص و یکسان نیستند؛ بل که قطعاً

شرایط آنان متفاوت است: برخی از آنان بیمار اند و احوال جسمانی مناسبی ندارند، برخی دیگر در حال سفر یا درگیر با دشمن و مشغول مرزبانی و نگاهبانی و کارهای مشابه اند، برخی به تجارت رفته‌اند... بنابراین، لازم نیست همه مسلمانان، به طور یک‌سان و هم‌آهنگ و به مقدار مشخص و با کم و کیفی خاص قرآن بخوانند؛ بل که باید احوال و شرایط خود را در قرائت قرآن لحاظ کنند و کافی است هر یک به اقتضای موقعیتی که دارند یا خواهند داشت به قرائت قرآن پردازند.

شک نیست که این دسته‌بندی هنگام نزول این آیه نیز محقق بوده است؛ یعنی در همان هنگام نزول آیه برخی مردم مریض، و برخی دیگر نیز در سفر یا عازم جنگ و کارهای مشابه بوده‌اند. بنابراین، سین در این آیه بیش از آن که معنای استقبال بدهد، حاکی از واقعیت و قطعیت مسئله است. «أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى...» به این معنا نیست که از این به بعد عده‌ای گرفتار بیماری و عذرهای مشابه خواهند بود؛ به عکس، می‌خواهد از این بگوید که این اختلاف شرایط و حالات مسلمانان هم‌اکنون و در زمان نزول آیه نیز مُحَقَّق است.

شماری از مفسران خواسته‌اند برپایه همان درک مشهور از کاربردهای سین معنای آیه را توضیح دهند. آن‌ها برای تبیین معنای این آیه سین را در عبارت فوق بدل از تثقیل حرف «أَنْ» دانسته، و رسالت آن را جبران تخفیف حرف «أَنْ» انگاشته‌اند؛ به این معنا که نون در حرف «أَنْ» در آغاز مثقل بوده، و بعد که تشدید آن افتاده و کلمه تخفیف یافته، به جای نون محذوف سین به اول فعل مضارع چسبانده شده است (بنگرید به: نسفی، مدارک التنزیل، ۴/ ۴۴۹؛ نظام، غرائب القرآن، ۲/ ۶۲۱؛ سیواسی، عیون التفاسیر، ۴/ ۲۶۱). برپایه این تحلیل، باید فرض کرد عبارت اول چنین بوده است: «عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَى»؛ یعنی «حتماً در میان شما مریضانی خواهند بود». خواه چنین تحلیلی از عبارت صحیح باشد یا نه، جای تردید نمی‌ماند که از نگاه این مفسران نیز حمل سین بر معنای مشهور — یعنی تسویف و استقبال — وجهی نداشته است.

غالب مترجمان فارسی قرآن که برای ارائه ترجمه دقیق‌تر از آیه به ترجمه دقیق حروف مقید بوده‌اند این سین را به معنای استقبال برگردانده‌اند:

آیتی: می‌داند چه کسانی از شما بیمار خواهند شد....

فولادوند: می داند که به زودی در میان تان بیمارانی خواهند بود....

معزی: دانست به زودی باشد از شما بیمارانی....

مکارم شیرازی: به زودی گروه از شما بیمار می شوند....

ارفع: به زودی بعضی از شما بیمار می شوند... (نیز، بنگرید به: ترجمه های

آدینه‌وند، برزی، بروجردی و انصاریان).

الهی قمشه‌ای از مترجمان نادری است که به این معنا عنایت داشته، و در ترجمه خود هیچ گونه

معادلی برای حرف سین که حاکی از استقبال و تسویف باشد ذکر نکرده است:

خدا بر احوال شما آگاه است که برخی مریض و ناتوان اند و برخی به سفر از کرم

خدا روزی می طلبند و برخی در راه خدا به جنگ و جهاد مشغول اند....

۲-۲) سَيَجْتَبِيهَا

آیه هفدهم سوره لیل هم از دیگر مواردی است که می توان با مرور سیاق کلام آشکارا

دریافت حرف سین بر سر فعل مضارعش را نباید حمل بر استقبال و تسویف کرد:

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى * لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى * الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى * وَسَيَجْتَبِيهَا

الْأَتَقَى * الَّذِي يُوْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى.

در آیات سوره لیل برای مخاطبان توضیح داده می شود کوشش انسان‌ها در زندگی متفاوت،

و نتیجه حاصل از آن‌ها نیز متفاوت است: برخی نیکی می کنند و بعد از مرگ پاداش نیک

می گیرند؛ برخی نیز راه نادرست می روند و هرچه نیز حاصل کنند نمی تواند آن‌ها را از سقوط

در مسیر اخروی بازدارد. آن‌گاه در آیات ۱۴-۱۸ ظاهراً از قول پیامبر اکرم (ص) یا شاید از زبان

خدا به مخاطبان گفته می شود که شما را از آتشی بلندزبانه می ترسانم؛ آتشی که جز فرومایگان

و بدبختانی که آیات خدا را تکذیب می کنند و از آن‌ها روی می گردانند واردش نشوند.

بعد از این مقدمات گفته می شود: «وَسَيَجْتَبِيهَا الْأَتَقَى». به طبع معنا ندارد آیه چنین فهم شود

که به زودی فرد باتقوا از چنین آتشی اجتناب خواهد کرد. باید آن را چنین فهمید که بی تردید

هم اکنون و در همین حیات دنیوی فرد باتقوا مسیری را برمی گزیند که به دور ماندن از آن آتش

بینجامد. به بیان دیگر، اجتناب از این آتش قرار نیست که در آینده روی دهد؛ بل که باید

هم اکنون اتفاق بیفتد. باین حال، اغلب مفسران چنین درکی از آیه را در تفسیر خود

بازنموده‌اند. به نظر می‌رسد پانی‌پتی (درگذشته ۱۲۲۵ق) نخستین کسی است که به این نکته توجه کرده، و سین را برای تأکید کلام دانسته (بنگرید به: پانی‌پتی، *التفسیر المظهری*، ۱۰/۲۷۸)، و آلوسی (درگذشته ۱۲۷۰ق) هم این نگاه را ستوده است (بنگرید به: آلوسی، *روح المعانی*، ۱۵/۳۶۹).

با این همه، اغلب مترجمان فارسی *قرآن* در دوران معاصر حرف سین در این آیه را حرف استقبال دانسته، و در معادل‌سازی آن کلمات و ادوات مربوط به زمان آینده را به کار برده‌اند: ارفع: به زودی باتقواترین مردم از آتش دور داشته می‌شود. انصاریان: و به زودی پرهیزکارترین [مردم] را از آن دور می‌دارند. مشکینی: و به زودی از آن هر پرهیزکارتر به دور داشته می‌شود. مصباح‌زاده: و بزودی دور شود از آن پرهیزکارتر. معزی: و زود است دور شودش پرهیزکاری. کاشفی: و زود باشد که دور گردانیده شود از آن آتش.

تعبیر «به‌زودی» و تعبیر مشابه در این ترجمه‌ها ظاهراً قرار است معنای «سین» را برساند. با این حال، به نظر می‌رسد چنین ترجمه‌ای حاکی از دقیق‌ترین درک معنا نمی‌تواند باشد. شمار اندکی از مفسران می‌توان یافت که معادلی برای حرف سین لحاظ نکرده باشند: آیتی: و پرهیزگارترین مردم را از آن دور دارند. الهی قمشه‌ای: و اهل تقوا را از آن آتش دور سازند. به نظر می‌رسد این مترجمان کاربرد هم‌خانواده‌های «زود» و مانند آن را در ترجمه این حرف مُخِل در معنا و مفهوم آیه دیده‌اند.

۳-۲) سَنُكْتَبُ / سَنُكْتَبُ / فَسَأَكْتُبُهَا

از دیگر مواردی که سیاق و قرائن لفظی موجود در آن می‌تواند ما را متقاعد کند که سین بر استقبال دلالت نمی‌کند آیه ۱۹ سوره زخرف است:

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَانَا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَنُكْتَبُ شَهَادَتَهُمْ
وَيُسْأَلُونَ.

صاحبان کتب اعراب *القرآن* و تفاسیر ادبی نیز که خود را بیش از دیگران در چارچوب

قواعد صرف و نحو مقید ساخته‌اند و خود را موظف می‌دانند که در قبال یکایک کلمات عنوانی نهند، در رویارویی با آیه فوق نیز بنا بر روال یک‌سان و مشخصی که دارند سین را حرف استقبال یا تسویف گرفته‌اند (برای نمونه، بنگرید به: دعاس، *اعراب القرآن*، ۳/ ۱۹۶؛ درویش، *اعراب القرآن*، ۷۳/ ۹؛ علوان، *اعراب القرآن*، ۴/ ۲۱۶۰؛ شیخلی، *اعراب القرآن*، ۹/ ۱۵۱).

اغلب مفسران در قبال کاربرد سین در این آیه سخن مشخصی نگفته‌اند؛ گویی مفروض انگاشته‌اند که حرف سین در آن بر تسویف و استقبال دلالت می‌کند. با این حال، معدودی از مفسران احساس کرده‌اند حمل سین بر استقبال در این آیه وجهی ندارد؛ زیرا واضح است که شهادت دروغین کسانی که ملائکه را مؤنث می‌انگارند قرار است بعداً ثبت شود؛ بل که حتی پیش از زمان حال و در زمان صدور این گفتار از آن شاهدان دروغین ثبت شده است. این مفسران در کوشش برای یافتن توجیهی برای کاربرد سین، آن را حمل بر استعطف (دل‌جویی) و تشویق به توبه دانسته‌اند (بقاعی، *نظم الدرر*، ۱۶/ ۷؛ صدیق، *فتح البیان*، ۶/ ۲۲۵).

تنها شمار اندکی از مفسران را می‌توان یافت که سین در آیه یادشده را حمل بر تأکید و تحقیق نموده باشند. از آن جمله می‌توان حقی بروسوی (درگذشته ۱۱۲۷ق) را یاد کرد که می‌گوید حرف سین در این آیه برای تأکید بر وعید و هشدار موجود در آیه به کار رفته است (حقی، *روح البیان*، ۱۸/ ۳۶۰؛ نیز، بنگرید به: قونوی، حاشیه بر *تفسیر بیضاوی*، ۱۷/ ۲۰۹؛ ابن‌عاشور، *التحریر و التنبیر*، ۲۵/ ۲۳۱؛ نهاوندی، *نفحات الرحمن*، ۵/ ۵۰۳). از میان مترجمان فارسی قرآن کریم نیز الهی قمشه‌ای و بلاغی هستند که سین را به معنای تحقیق و تأکید باز می‌گردانند:

الهی قمشه‌ای: البته شهادت [کذب]شان [در نامه عمل‌شان] نوشته شده، بر آن سخت مؤاخذه می‌شوند.

بلاغی: البته اقرار آنان در دیوان اعمال‌شان نوشته می‌شود.

از همین قبیل است حرف سین «سَنَكْتُبُ» در آیات زیر:

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَتَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (آل‌عمران/ ۱۸۱).
كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا (مریم/ ۷۹).

باز هم از بافت آیات به وضوح می‌توان دریافت که مقصود ثبت و نگارش سخن این گویندگان در آینده نیست؛ بل که باید از کاربرد حرف سین تأکید بر وقوع فعل و حتمیت آن را دریافت؛ چنان که معدودی از مفسران به این معنا تصریح نموده‌اند (بنگرید به: بقاعی، نظم الدرر، ۵/ ۱۴۰؛ ابوالسعود، ارشاد العقل السلیم، ۲/ ۲۱؛ حائری طهرانی، مقتنیات الدرر، ۳/ ۲۱). مسئله درباره سین در آیه «وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ» نیز بر همین منوال است (بنگرید به: شیخ‌زاده، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، ۴/ ۳۰۸). از کلمه «فسأکتبها» در این آیه باید چنین دریافت که فراگیری رحمت الهی نسبت به اهل تقوا به قدری مهم و عظیم است که در ثبت آن در حق ایشان دریغی صورت نمی‌گیرد (حقی، روح البیان، ۳/ ۴۹۳).

۴-۲) فَسَيَرَى

وَقَلِّ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ... (توبه/ ۱۰۵).

شاید بارزترین مصداق سین تأکید و تحقیق در قرآن سین در کلمه فَسَيَرَى در آیه فوق باشد. برپایه باور اسلامی، دیدن اعمال از سوی خدا و پیامبر (ص) و مؤمنان مقید به زمان آینده نیست و ایشان هم‌اکنون شاهد اعمال ما هستند. پس «فَسَيَرَى» نباید چنین معنا شود که به‌زودی یا در آینده خدا و رسول و مؤمنان اعمال انسان‌ها را می‌بینند.

باین حال، معدودی از مفسران به جایگاه و ماهیت حرف سین در این آیه عنایت داشته، و آن را حرف تأکید و تحقیق دانسته‌اند (برای نمونه، بنگرید به: آلوسی، روح المعانی، ۱۶/ ۱۶؛ حقی، روح البیان، ۳/ ۵۰۱). حتی برخی از مفسران — به‌ویژه ارباب کتب اعراب القرآن — برخلاف این بینش تصریح کرده‌اند که حرف سین در این کلمه حرف استقبال و تسویف است (علوان، اعراب القرآن الکریم، ۲/ ۹۰۸؛ دره، تفسیر القرآن، ۴/ ۲۲۸؛ شیخلی، اعراب القرآن، ۴/ ۲۵۹؛ صالح، الاعراب المفصل، ۴/ ۳۸۱؛ کرباسی، اعراب القرآن، ۳/ ۴۳۴).

مترجمان قرآن کریم نیز غالباً کلماتی حاکی از زمان آینده — مانند زودا، به‌زودی، زود است، و... — در ترجمه‌های خودشان گنجانده‌اند. از آن جمله می‌توان ترجمه دهلوی، معزی، مشکینی، یاسری، آیتی، ارفع، و انصاریان را یاد کرد. تنها معدودی از مترجمان معادلی برای سین ذکر نکرده، و — خواسته یا ناخواسته — آن را حرف استقبال بازنموده‌اند؛ مانند الهی

قمشه‌ای که آیه را چنین ترجمه کرده است:

هر عمل کنید، خدا آن عمل را می‌بیند و هم رسول و مؤمنان بر آن آگاه می‌شوند.
در این میان، بلاغی با ریزبینی خاصی حرف سین را از باب تأکید و تحقیق دانسته، و کلمه
«البتّه» را هم چون معادلی برای آن در بخش ترجمه تفسیر خود آورده است:
بگو عمل کنید؛ پس البتّه خدا عمل شما را می‌بیند و پیامبرش و مؤمنان (بلاغی،
حجة التفاسیر، ۳/ ۱۲۳).

از میان مفسران، آن‌که به صراحت سین را در این آیه حرف تحقیق و تأکید بازنموده جوادی آملی
است (بنگرید به: جوادی آملی، تسنیم، ذیل آیه).

۳. دلالت قرائن معنوی بر تحقیقی بودن سین

افزون بر موارد یادشده که قرائن لفظی موجود در بافت آیات قرآن ما را به تحلیل صحیح‌تر
معنای سین می‌رسانند، می‌توان مواردی را نیز مثال آورد که درک درست معنا مستلزم پذیرش
دلالت سین بر تأکید و تحقیق است. غالب این موارد مربوط به جایی است که تأکید بر تحقق
قطعی و حتمیت وقوع امری بیش‌تر از تأکید بر تحقق آن در آینده مدنظر است.

۱-۳) سَيَجِزِي

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى
أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (آل
عمران/ ۱۴۴).

بر پایه آیه یادشده پاداش حقیقی شاکران بی‌شک در آخرت عطا خواهد شد و پاداش‌های
دنوی همه مقدمه و زمینه‌ساز وصول به پاداش آخرت اند. با این حال، حرف سین در آیه در این
مقام نیست که زمان عطای پاداش شاکران را بیان کند؛ بل که حاکی از قطعیت و حتمیت عطاء
این پاداش از سوی خدا و مبالغه در آن است.

مفسران قرآن در قبال تعیین نوع حرف سین در این آیه عمدتاً سکوت کرده، و به تأکیدی
بودن آن اشاره‌ای ندارند. در واقع فرض را بر دلالت آن بر استقبال گذاشته‌اند. برخی نیز البتّه
صریحاً آن را دالّ بر مستقبل دانسته‌اند (دعاس، اعراب القرآن، ۱/ ۱۶۳). مترجمان نیز عمدتاً با
درج کلماتی — مانند به‌زودی، زودا، زود است و امثال آن — مفهوم آیه را به آینده اختصاص

داده‌اند (بنگرید به: ترجمه‌های ارفع، آیتی، پاینده، پورجوادی، فولادوند، کاویان‌پور، برزی، بروجرودی، حجتی، سراج، مشکینی، و مصباح زاده، ذیل آیه). در این میان، ترجمه بلاغی و الهی قمشه‌ای ممتاز است.

بلاغی: و البته خدا شاکران را... مزد می‌دهد (بلاغی، *حجۃ التفسیر*، ۱/۳۰۵).

الهی قمشه‌ای: و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کند.

کلمه «البته» در این دو ترجمه حاکی از توجه ایشان به جایگاه سین تأکید و تحقیق در آیه است.

۲-۳) سَيَّرَحْمَهُمْ

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (توبه/۷۱).

زمخشری و طبرسی و نیز فخررازی در خصوص نوع حرف سین در کلمه «سَيَّرَحْمَهُمْ» هم‌آوا با یک‌دیگر می‌گویند که این حرف حاکی از قطعی بودن و ناگزیر بودن وجود رحمت الهی است. از نگاه ایشان، این حرف وعده الهی در این آیه را تأکید می‌کند؛ همان‌گونه که اگر کسی بگوید «سَأَنْتَقِمُ مِنْكَ يَوْمًا» کاربرد سین باید بر تأکید بر وعید و تهدید حمل شود (زمخشری، *الکشاف*، ۱۲/۲۸۹؛ طبرسی، *جوامع الجامع*، ۲/۶۹؛ فخررازی، *التفسیر الکبیر*، ۱۶/۱۰۱).

همین مفسران در تفسیر «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم/۹۶) سخنان مشابهی در توضیح معنای سین گفته‌اند (زمخشری، *الکشاف*، ۱۲/۲۸۹؛ طبرسی، *جوامع الجامع*، ۲/۶۹؛ فخررازی، *التفسیر الکبیر*، ۱۶/۱۰۱). آن‌ها در سخن از آیاتی مثل «سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ» (نساء/۱۵۲) یا «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى» (ضحی/۵) نیز تحلیل‌های مشابهی دارند و کاربرد سین در همه این موارد را برای تأکید و تحقیق می‌دانند؛ نه برای دلالت بر استقبال (بنگرید به: زمخشری، طبرسی، فخررازی، ذیل دو آیه یادشده).

باین حال، گاه این تحلیل‌ها با مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو شده است. ابوحيان اندلسی (درگذشته ۷۴۵ق)، ضمن انتقاد از نگاه زمخشری، رویکرد او را متأثر از مذهب اعتزالی‌اش

می‌داند؛ زیرا اگر حرف سین را حرف تأکید و تحقیق فرض کنیم، شمول رحمت الهی نسبت به مؤمنین ثابت و لازم و تخلف‌ناپذیر خواهد شد و این با مکتب اعتزال سازگارتر است تا این که بگوییم خدا در آینده رحمت خود را شامل حال آنان خواهد کرد (ابوحیان، *البحر المحیط*، ۱۵/۴۶۰). معاصر ابوحیان یعنی ابن هشام نیز که گویی از اصل با وجود سین تحقیق در قرآن مخالف است، آراء زمخشری در این باره را بر نمی‌تابد. او در تحلیل «سَيَرَحْمُهُمْ» نیز — هم‌چون موارد متعدد دیگر — بر زمخشری تاخته، نگاه او را صرفاً یک توهم خوانده، سین را قاطعانه حرف استقبال دانسته است (بنگرید به: ابن هشام، *معنی اللیب*، ۱/۱۳۹).

۳-۳) سَيَصَلِّي

سَيَصَلِّي نَاراً ذَاتَ لَهَبٍ (مسد/۳).

تقریباً همه مفسران و مترجمان قرآن حرف سین در این آیه را — همان‌گونه که معمول است — علامت استقبال دانسته‌اند؛ اما برخی از ایشان هم با توجه به سیاق آیه و نیز آیات دیگر، از جمله آیه:

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا
(نساء/۱۰)

که ناظر بر امری مشابه اند، خاطرنشان ساخته‌اند که سین در کلمه «سَيَصَلِّي» ممکن نیست جهت استقبال باشد؛ بل که حاکی از حتمیت و قطعیت وعید و تهدید الهی است (برای تنها چند نمونه، بنگرید به: زمخشری، *الکشاف*، ۴/۸۱۵؛ طبرسی، *جوامع الجامع*، ۴/۵۵۸؛ نسفی، *مدارک التنزیل*، ۴/۵۶۸).

از آن سو، ابوحیان اندلسی که در مواضع متعددی تحلیل زمخشری درباره کاربردهای حرف سین را برنرفته و آن را حمل بر مذهب معتزلی او کرده، در سخن از آیه سوم سوره مسد نیز رأی زمخشری را رد کرده و سین را دال بر معنای استقبال دانسته است (ابوحیان، *البحر المحیط*، ۱۵/۴۹۴).

۴. نمونه‌های حمل سین بر تحقیق در اقوال مفسران

تا کنون بر مرور نمونه‌هایی متمرکز بودیم که بافت و شواهد متنی گویای دلالت سین بر تحقیق و تأکید است. اکنون بنا داریم نمونه‌هایی دیگر از کاربرد سین بر سر فعل مضارع را

مرور کنیم که به نظر می‌رسد مفسران گرایش داشته‌اند آن‌ها را دالّ بر استقبال ندانند. این شواهد نشان می‌دهد گرچه مفسران قواعد نحو متأخر عربی را پذیرا شده‌اند عملاً در مقام فهم قرآن کریم — که در دورانی پیش از شکل‌گیری آن قواعد شکل گرفته است — خود را با محظوراتی روبه‌رو می‌دیده، و تطبیق کامل آن قواعد با متن قرآن را برنمی‌تافته‌اند.

۱-۴) سَيَدْخِلُهُمْ

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيَدْخِلُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه/ ۹۹).

ترجمه آیتی: و پاره‌ای از عربهای بادیه‌نشین به خدا و روز قیامت ایمان دارند و آنچه را که خرج می‌کنند برای نزدیک شدن به خدا و به خاطر دعای پیامبر خرج می‌کنند. بدانید که همین سبب نزدیکی‌شان به خدا خواهد شد و خدا به رحمت خویش داخل‌شان خواهد کرد؛ زیرا آمرزنده و مهربان است.

در خصوص حرف سین در این آیه مفسران متعددی اظهار نموده‌اند که دلالت بر تأکید و تحقیق و محقق‌الوقوع جلوه دادن فعل جمله می‌کند (برای تنها چند نمونه، بنگرید به: زمخشری، *الکشاف*، ۲/ ۳۰۴؛ بیضاوی، *التفسیر*، ۳/ ۱۶۸؛ نیشابوری، *غرائب القرآن*، ۳/ ۵۲۱). با این حال، غالب مترجمان فارسی نیز — مشابه ترجمه‌ای که از آیتی نقل شد و طبق معمول‌شان در ترجمه سین — از تعبیر «به‌زودی» بهره برده‌اند:

فولادوند: به‌زودی خدا ایشان را در جوار رحمت خویش درآورد.

معزی: به‌زودی درآردشان خدا به رحمتی از خدا.

ارفع: به‌زودی خداوند آن‌ها را مشمول رحمت خویش خواهد فرمود.

مکارم شیرازی: خداوند به‌زودی آنان را در رحمت خود وارد خواهد ساخت.

عبارات پاینده، پورجوادی، کاویان‌پور، برزی، بروجردی، حجتی، سراج، مشکینی و مصباح‌زاده نیز تمایز چندانی با ترجمه‌های فوق ندارد. صرفاً الهی قمشه‌ای و بلاغی هستند که در این جا نیز هم‌چون دیگر موارد یادشده جایگاه صحیح سین را در آیه به‌درستی لحاظ کرده و از کلمه «البتّه» در برگردان آن استفاده کرده‌اند:

الهی قمشه‌ای: و البتّه خدا آنان را در سرای رحمت خود داخل می‌گرداند.

بلاغی: والبته خدا آنان را در [سرای] رحمت خود داخل می‌گرداند.

۲-۴) سَأْتَلُو

مثال دیگر از این قبیل «سَأْتَلُو» در آیه زیر است:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقُرَيْنِ قُلْ سَأْتَلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا (كهف/ ۸۳).

برخلاف قاطبه مفسران که سین را حرف استقبال فرض کرده، یا دست‌کم نیازی به توضیح معنای آن ندیده‌اند، حقی بروسوی در تفسیر کلمه «سَأْتَلُو» گفته که سین برای تأکید و تحقیق مطلب و محقق‌الوقوع خواندن گزارش حال ذوالقرنین است. او می‌افزاید «ساتلو» یعنی «لا أتركُ التِّلَاوَةَ الْبَتَّةَ»؛ یعنی البته که تلاوت می‌کنم؛ پس به این معنا نیست که گزارش حال ذوالقرنین در زمان آینده روی خواهد داد (حقی، روح البیان، ۵/ ۲۹۰؛ نیز: واعظزاده، المعجم، ۱۷/ ۸۶۹).

در میان مترجمان نیز، بلاغی ترجمه متفاوتی را از این جمله ارائه داده است:

البته بر شما سرگذشتی از او می‌خوانم (بلاغی، حجة التفاسیر، ۴/ ۱۳۱).

عاملی نیز با درج کلمه «اینک» در بخش ترجمه خود، بر حرف استقبال نبودن حرف سین در آیه تأکید کرده است:

بگو اینک [به قرآن] از او برای شما یادی و قصه‌ای می‌خوانم (عاملی، تفسیر، ۶/

۲۶).

۳-۴) سَنَنْظُرُ

سین در «سَنَنْظُرُ» در آیه ۲۷ سوره نمل نیز چنین وضعیتی دارد:

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ.

تقریباً همه مفسران با همین فرض آیه را تفسیر کرده‌اند که حرف سین در آن حرف تسویف و استقبال است. مرور ترجمه‌های پورجوادی، فولادوند، کاویان‌پور، برزی، بروجردی، حجتی، سراج، مشکینی، مصباح‌زاده، ارفع، آیتی، پاینده دیگران هم آشکار می‌کند که آن‌ها نیز با همین مبنا آیه را ترجمه کرده‌اند. باین‌حال، مفسران و مترجمان نادری نیز این نگاه را برنتابیده، و حرف سین در آیه را از باب تأکید و تحقیق گرفته‌اند.

برای نمونه، در تفسیر ابوالسعود می‌خوانیم که نَظَرُ در این آیه به معنای تأمل و دقت است و

حرف سین هم برای تأکید بر همین معنا آورده شده است؛ یعنی سلیمان (ع) به هدهد می‌گوید ما در خبری را که آوردی البته دقت و تأمل می‌کنیم تا بدانیم آیا راست می‌گویی یا از دروغگویان هستی (ابوالسعود، *ارشاد العقل السلیم*، ۶/ ۲۸۲). در تفسیر *روح البیان* حقی و *روح المعانی* آلوسی نیز همین نگاه منعکس شده است (بنگرید به: حقی، *روح البیان*، ۱۶/ ۳۴۰؛ آلوسی، *روح المعانی*، ۱۰/ ۱۸۸).

الهی قمشه‌ای در این‌جا نیز با دقت نظر خاص خود، از کلمه «باید» در معادل‌یابی برای حرف سین استفاده کرده، و در واقع آن را به معنای لام امر گرفته است:

سلیمان هدهد را گفت باید تحقیق کنیم تا صدق و کذب سخت را در یابیم.

۴-۴) دیگر نمونه‌ها

موارد ده‌گانه‌ای که ذکر شد فقط نمونه‌هایی بودند که حرف سین در آن‌ها از سوی برخی مفسران و مترجمان به‌عنوان سین تأکید و تحقیق لحاظ شده بود. شکی نیست که موارد حضور این نوع از حرف سین در *قرآن* به این آیات منحصر نمی‌شود و شمار بسیار دیگر نیز قابل‌الحاق به آن‌ها هستند. این موارد همان‌ها هستند که باید نه هم‌چون حرف تسویف و استقبال، که معادل کلمات تأکید‌آمیزی مانند یقیناً، البته، در واقع، بی‌شک، لامحاله، ناگزیر، دائماً، و پیوسته گرفته شوند. برجسته‌ترین نمونه‌های اشاره مفسران به این کاربردها در جدول شماره ۱ بازنموده شده‌اند.

جدول شماره ۱

اشارات مفسران به کاربردهای قرآنی سین به معنای تحقیق

ردیف	عبارت	جایگاه در قرآن	توضیحات مفسران
۱	وَسْتَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ	بقره/ ۵۸	آلوسی، <i>روح المعانی</i> ، ۳/ ۳۲۰
۲	فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ	بقره/ ۱۳۷	زمخشری، <i>الکشاف</i> ، ۱۱/ ۱۹۶
۳	سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ...	بقره/ ۱۴۲	طریحی، <i>مجمع البحرین</i> ، ۳/ ۵۶۲
۴	عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ	بقره/ ۲۳۵	زمخشری، <i>الکشاف</i> ، ۱۱/ ۲۸۳
۵	سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ	آل عمران/ ۱۵۱	قونوی، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، ۶/ ۳۵۴
۶	سَيَطُوفُونَ مَا بِخَلْوَاهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ	آل عمران/ ۱۸۰	موسوی سبزواری، <i>مواهب الرحمن</i> ، ۷/ ۱۲۱
۷	سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يَرِيدُونَ أَنْ يُأْمِنُوا كُمْ	نساء/ ۹۱	طریحی، <i>مجمع البحرین</i> ، ۳/ ۵۶۲
۸	سَيَصِيبُ الَّذِينَ أُجْرِمُوا	انعام/ ۱۲۴	ابوالسعود، <i>ارشاد العقل السلیم</i> ، ۳/ ۱۸۳
۹	سَيُخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ	توبه/ ۹۵	آلوسی، <i>روح المعانی</i> ، ۶/ ۵
۱۰	سَتُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ	توبه/ ۱۰۱	شیخ زاده، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، ۴/ ۳۰۸

ادامه جدول شماره ۱			
اشارات مفسران به کاربردهای قرآنی سین به معنای تحقیق			
ردیف	عبارت	جایگاه در قرآن	توضیحات مفسران
۱۱	إِنَّ اللَّهَ سَبِيطٌ	یونس / ۸۱	نوری جاوی، <i>مراح لبید</i> ، ۴۹۳ / ۱
۱۲	سَأْتِيكَ بِتَأْوِيلٍ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا	کهف / ۷۸	ابوالسعود، <i>ارشاد العقل السليم</i> ، ۲۳۷ / ۵
۱۳	سَيَقُولُونَ لِلَّهِ	مؤمنون / ۸۹	ابوالسعود، همان، ۲۱۴ / ۱۳
۱۴	فَإِنَّهُ سَيُهَادِيَنِ	شعراء / ۶۲	نوری جاوی، <i>مراح لبید</i> ، ۳۸۲ / ۲
۱۵	وَسَيُهَلِّمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا	شعراء / ۲۲۷	حقی، <i>روح البیان</i> / ۶ / ۳۱۷
۱۶	سَتَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ	قصص / ۳۵	حقی، همان، ۵۱۵ / ۱۴
۱۷	سَيَصِيبُهُمْ سِنَانٌ مَا كَانُوا	زمر / ۵۱	حقی، همان، ۱۲۲ / ۸
۱۸	سَيَهْدِيَهُمْ وَيَضَلُّعُ بِهِمْ	محمد / ۵	قونوی، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، ۱۳ / ۱۸
۱۹	وَسَيَحْطِطُ أَعْمَالَهُمْ	محمد / ۳۲	حقی، <i>روح البیان</i> ، ۵۲۲ / ۸
۲۰	سَيُهَمُّ الْجَمْعُ	قمر / ۴۵	حقی، همان، ۲۸۲ / ۹
۲۱	فَسَيُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ	قلم / ۵	پانی پتی، <i>التفسیر المظهری</i> ، ۳۳ / ۱۰
۲۲	إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا تَقْبَلُهُ	مزل / ۵	پانی پتی، همان، ۳۷۸ / ۱۹
۲۳	سَيَذَكَّرُ مَنْ يَخْشَى	اعلی / ۱۰	پانی پتی، همان، ۲۲۳ / ۲۰
۲۴	سَتَذُكَّرُ الزَّيْبَانِيَّةُ	علق / ۱۸	پانی پتی، همان، ۳۶۴ / ۲۰

نتیجه

مطالعه ما نشان داد اسالیب بیانی خاص قرآن در به‌کارگیری حروف می‌تواند یکی از زمینه‌های گسترده مطالعه در ماهیت و خصائص زبان قرآن باشد. باری، در سخن از امکان کاربرد نوعی دیگری از سین بر سر فعل مضارع در عبارات قرآنی باید بر پایه دستاوردهای این مطالعه گفت، گرچه بسیاری از موارد کاربرد این حرف در قرآن برای تأکید و تحقیق است، حمل همه کاربردهای قرآنی بر این معنا تکلف‌آمیز به نظر می‌رسد.

می‌توان در نمونه‌های متعددی نشان داد که سین – بسی بیش از دلالت بر وقوع امری در آینده – برای تأکید بر حتمیت وقوع آن به‌کار رفته است و حتی در نمونه‌های حمل آن بر زمان آینده معنا ندارد؛ بل که باید پذیرفت بحث در آیه بر سر تأکید بر وقوع آن در زمان حال است. باین‌حال، اغلب مفسران و مترجمان عمده کاربردهای سین در قرآن را از بابت تسویف و استقبال فرض کرده، و نسبت به سین تأکید و تحقیق در قرآن بی‌اعتناء بوده، و اشاره‌ای به آن نداشته‌اند. به‌نظر می‌رسد نخستین شخصیتی که کاربردهای سین در قرآن را دقیق‌تر نگرینسته زمخشری

است. وی با تحلیل این کاربردها دریافته است که باید برخی از آن‌ها را حمل بر معنای تأکید و تحقیق کند. بعد از وی عالمان دیگری هم چون طبرسی، فخررازی، حقی بروسوی، ابوالسعود، آلوسی، پانی‌پتی، نووی جاوی و معدودی دیگر این نگاه را پسندیده، و در توسعه شواهد قرآنی کاربرد آن در زبان عربی کهن کوشیده‌اند.

چنین رویکردی با مخالفت‌هایی هم از جانب عالمان نحو و برخی مفسران گراینده به تحلیل‌های نحوی هم چون ابن حیان اندلسی روبه‌رو شده است. عالمان نحو آراء خود را بر پایه تحلیل شواهدی از کاربردهای عربی بنا نهاده‌اند که اغلب آن‌ها در دوره‌ای بعد از شکل‌گیری قرآن کریم شکل گرفتند؛ دوره‌ای که در آن بسیاری از معانی کهن حروف مهجور شده، و شیوه‌های بیان تغییر یافته بود. اصرار این عالمان بر تطبیق نحو قرآن با قواعد خویش، چنان‌که دیدیم، به این انجامیده است که متکلفانه شماری از کاربردهای سین بر سر فعل مضارع را حمل بر معنای مستقبل کنند. از میان نحویان متأخر، برجسته‌ترین این مخالفان ابن هشام، و از میان مفسران نیز، ابوحیان اندلسی هستند. آن‌ها حتی گاه زمخشری را نیز به این متهم کرده‌اند که تحلیلی متناسب مذهب اعتزالی خود بازمی‌نماید.

به هر روی، شمار مفسران معتقد به وجود سین تحقیق در قرآن در سده‌های اخیر رو به فزونی گذاشته، و البته، هم‌چنان این دیدگاه از نگاه اغلب مفسران اعتباری فراتر از یک نظریه مرجوح نیافته است. بازتاب این اختلاف‌نظرها را می‌توان در ترجمه‌های فارسی قرآن نیز مشاهده کرد. از میان مترجمان فارسی قرآن، الهی قمشه‌ای و بلاغی جزو معدود کسانی هستند که می‌توان کوشش برای ترجمه برخی سین‌های قرآن با کلمات حاکی از تأکید و تحقیق را در اثرشان مشاهده کرد.

منابع

- ۱- قرآن کریم؛ اصل عربی، نیز ترجمه‌های فارسی مهدی الهی قمشه‌ای (تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۵ش)، ابوالقاسم پاینده (تهران، جاویدان، ۱۳۵۷ش)، شاه‌ولی‌الله دهلوی (تهران، دفتر مرکزی حزب اسلامی افغانستان، ۱۳۶۳ش)، محمدابراهیم بروجردی (تهران، کتابخانه صدر، ۱۳۶۶ش)، کاظم پورجوادی (تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، ۱۳۷۲ش)، احمد کاویان‌پور (تهران، اقبال، ۱۳۷۲ش)، محمداکرم معزی (قم، اسوه، ۱۳۷۲ش)، ناصر مکارم شیرازی (قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش)، عبدالمحمد آیتی (تهران، سروش، ۱۳۷۴ش)، محمدمهدی فولادوند (تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶ش)، عباس مصباح‌زاده (تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۸۰ش)، علی مشکینی (قم، الهادی، ۱۳۸۱ش)، کاظم ارفع (تهران، فیض کاشانی، ۱۳۸۱ش)، اصغر برزی (تهران، بنیاد قرآن، ۱۳۸۲ش)، حسین انصاریان (قم، اسوه، ۱۳۸۳ش) و رضا سراج (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۹۰ش).
- ۲- آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا، *کلمة الله العلیا*، تهران، اسوه، ۱۳۷۷ش.
- ۳- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ۴- ابن‌عاشور، محمد بن طاهر، *التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۵- ابن‌هشام، عبدالله بن یوسف، *مغنی اللیب*، قاهره، مطبعة المدنی، ۱۴۲۴ق.
- ۶- ابوالسعود، محمد بن محمد، *ارشاد العقل السلیم*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۹۸۳م.
- ۷- ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، *البحر المحیط*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- ۸- امیل بدیع یعقوب، *موسوعة النحو والصرف والإعراب*، قاهره، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۰ق.
- ۹- بابتی، عزیزه فوال، *المعجم المفصل فی النحو العربی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.
- ۱۰- بقاعی، ابراهیم بن عمر، *نظم الدرر*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
- ۱۱- بلاغی، عبدالحجه، *حجة التفاسیر*، قم، حکمت، ۱۳۸۶ق.
- ۱۲- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *التفسیر*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ۱۳- پانی‌پتی، محمد ثناءالله، *التفسیر المظهری*، کویت، چاپ‌خانه رشدی، ۱۴۱۲ق.

- ۱۴- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، مؤسسه فرهنگی اسراء.
- ۱۵- حائری طهرانی، علی، مُقْتَنِيَاتُ الدَّرر، تهران، اسلامیه، ۱۳۳۸ش.
- ۱۶- حجتی، مهدی، گلی از بوستان خدا، قم، بخشایش، ۱۳۸۴ش.
- ۱۷- حقی بُرُوسوی، اسماعیل بن مصطفی، روح البیان، بیروت، دارالفکر.
- ۱۸- درویش، محیی الدین، اعراب القرآن الکریم و بیانہ، حمص، مطبعة الارشاد، ۱۴۱۵ق.
- ۱۹- دره، محمد علی طه، تفسیر القرآن الکریم و اعرابه و بیانہ، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۴۳۰ق.
- ۲۰- دعّاس، احمد عبید، اعراب القرآن الکریم، دمشق، دارالفارابی للمعارف، ۱۴۲۵ق.
- ۲۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، به کوشش محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
- ۲۲- زرکشی، محمد بن بهادر، البرهان فی علوم القرآن، قاهره، دار احياء الکتب العربیہ، ۱۳۷۶ق.
- ۲۳- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۲۴- سیبویه، عمرو بن عثمان، کتاب، قاهره، مکتبة الخانجی، ۱۴۰۸ق.
- ۲۵- سیواسی، احمد بن محمود، عیون التفاسیر، بیروت، دار صادر، ۱۴۲۷ق.
- ۲۶- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الاتقان، قاهره، المکتبة التجاریة الکبری، ۱۳۸۶ق.
- ۲۷- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، معترك الأقران فی إعجاز القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- ۲۸- شیخزاده، محمد بن مصطفی، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق.
- ۲۹- شیخلی، بهجت عبدالواحد، اعراب القرآن الکریم، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۷ق.
- ۳۰- صالح، بهجت عبدالواحد، الاعراب المفصل، عمان، دار الفکر، ۱۹۹۸ م.
- ۳۱- صدیق، محمد، فتح البیان فی مقاصد القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
- ۳۲- طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
- ۳۳- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- ۳۴- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، تهران، صدوق، ۱۳۶۰ش.
- ۳۵- عُصَیمه، محمد عبدالخالق، دراسات لاسلوب القرآن، قاهره، دارالحديث، ۱۴۰۴ق.
- ۳۶- علوان، عبدالله بن ناصح، اعراب القرآن الکریم، طنطا، دارالصحابه للتراث، ۱۴۲۷ق.

- ۳۷- عمایره، اسماعیل احمد و سید، عبدالحمید مصطفی، *معجم الادوات و الضمائر فی القرآن الکریم*، قم، چاپخانه قدس، ۱۴۱۰ق.
- ۳۸- فخررازی، محمد بن عمر، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۳۹- قونوی، اسماعیل بن محمد، *حاشیه بر تفسیر بیضاوی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۴۰- کرباسی، محمدجعفر، *اعراب القرآن*، بیروت، مکتبه الهلال، ۱۴۲۲ق.
- ۴۱- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، *بحار الانوار*، بیروت، دارالوفاء، ۱۴۰۳ق.
- ۴۲- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، *مواهب الرحمن*، قم، مؤسسه المنار، ۱۴۱۴ق.
- ۴۳- نسفی، عبدالله بن احمد، *مدارک التنزیل*، بیروت، دارالفنایس، ۱۴۱۶ق.
- ۴۴- نووی جاوی، محمد بن عمر، *مراح لبید*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- ۴۵- نهاوندی، محمد، *نقحات الرحمن*، قم، بعثت، ۱۳۸۶ش.
- ۴۶- نیشابوری، حسن بن محمد، *غرائب القرآن*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
- ۴۷- واعظزاده خراسانی، محمد، *المعجم فی فقه لغة القرآن و سیر بلاغته*، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۸۸ش.

Bibliography

1. The Holy *Qur'an*; Arabic text, and also the Persian translation of Mahdī Elāhī Qomshe'ī (Tehran, 'Elmī, 1325 SAH), Abulqāsem Pāyande (Tehran, Jāvidān, 1357 SAH), Shāh Walī Allāh Dehlavī (Tehran, The Head Office of Hizb-e Islāmī-ye Afghanistan, 1363 SAH), Moḥammad Ebrāhīm Borūjerdī (Tehran, Šadr Library, 1366 SAH), Kāzem Pūrjavādī (Tehran, Islamic Encyclopaedia Foundation, 1372 SAH), Aḥmad KāvīyānPūr (Tehran, Eqbāl, 1372 SAH), Moḥammad Kāzem Mo'ezzī (Qom, 'Uswa, 1372 SAH), Nāser Makārem Shīrāzī (Qom, Office of Islamic History and Theology Studies, 1373 SAH), 'Abdol-Moḥammad Āyatī (Tehran, Soroush, 1374 SAH), Moḥammad Mahdī Fūlādvand (Tehran, Office of Islamic History and Theology Studies, 1376 SAH), 'Abbās MešbāhZāde (Tehran, Badraqe-ye Jāvidān, 1380 SAH), 'Alī Meshkīnī (Qom, Al-Hādī, 1381 SAH), Kāzem 'Arfa' (Tehran, Feyd Kāshānī, 1381 SAH), Ašghar Barzī (Tehran, Qur'an Foundation, 1382 SAH), Ḥoseyn Anšāriyān (Qom, 'Uswa, 1383 SAH) and Rezā Serāj (Tehran, Tehran University, 1390 SAH).
2. Abū Al-Su'ūd, Muḥammad b. Muḥammad, *Irsbād al-'Aql al-Salīm*, Beirut. Dār Ihyā' al-Turāth Al-'Arabī, 1983.
3. Abū Ḥayyān al-Andulusī, Muḥammad b. Yūsuf, *Al-Baḥr al-Muḥīṭ*, Beirut, Dār al-Fikr, 1420 AH.
4. Ādīnie-vand Lorestānī, MuḥammadReḍā, *Kalima Allāb Al-'Ulyā*, Tehrān, 'Uswa, 1377 SAH.
5. Ālūsī, Maḥmūd b. 'Abdullāh, *Rūḥ al-Ma'ānī*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1415 AH.
6. 'Amāyira, Ismā'īl Aḥmad, and Sayyid, 'Abdul-Ḥamīd Mušṭafā, *Muḥjam al-Adawāt wa al-ḍamā'ir fī al-Qur'an al-Karīm*, Qom, Qods Publishing House, 1410 AH.
7. 'Amelī, Ebrāhīm, *Tafsīr-e 'Amelī*, Tehrān, Šadūq Press, 1360 SAH.
8. Bābatī, 'Azīza Fīwāl, *Al-Muḥjam Al-Mufaṣṣal fī al-Naḥw al-'Arabī*, Beirut, Dār al-Kutub al-'Ilmiyya, 1425 AH.
9. Balāqī, 'Abdul-Ḥujja, *Hujja al-Tafāsīr*, Qom, Ḥekmat Press, 1386 SAH.

10. Bayḍāwī, ‘Abdullāh b. ‘Umar, *Al-Tafsīr*, Beirut, Dār Iḥyā’ al-Turāth al-‘Arabī, 1418 AH.
11. Biqā’ī, Ibrāhīm b. ‘Umar, *Naẓm al-Durar*, Beirut. Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, 1415 AH.
12. Da‘ās, Aḥmad ‘Ubayd, *I’rāb Al-Qur’ān al-Karīm*, Damascus, Dār Al-Fārābī lil-Ma‘ārif, 1425 AH.
13. Darra, Muḥammad ‘Alī Ṭāhā, *Tafsīr al-Qur’ān al-Karīm wa I’rābub wa Bayānub*, Beirut, Dār Ibn Kathīr, 1430 AH.
14. Darwīsh, Muḥyī al-Dīn, *I’rāb Al-Qur’ān al-Karīm wa Bayābub*, Ḥumṣ, Al-Irshād Publishing House, 1415 AH.
15. Dehkhodā, ‘Alī Akbar, *LoghatNāme*, ed. Moḥammad Mo‘īn and Ja‘far Shahīdī, Tehrān, Tehran University, 1377 SAH.
16. Fakhr al-Dīn al-Rāzī, Muḥammad b, ‘Umar, *Mafātīḥ al-Ghayb*, Beirut, Dār Iḥyā al-Turāth al-‘Arabī, 1420 AH.
17. Ḥā‘irī Ṭahrānī, ‘Alī, *Muqtanayāt al-Durar*, Tehrān, Islāmīyya Press, 1338 SAH.
18. Ḥaqqī Burūsawī, Ismā‘īl b. Muṣṭafā, *Ruḥ Al-Bayān*, Beirut, Dar al-Fikr.
19. Ḥojjatī, Mahdī, *Golī az Būstān-e Khodā*, Qom, Bakhshāyesh, 1384 SAH.
20. Ibn ‘Ashūr, Muḥammad Ṭāhir, *Al-Taḥrīr wa Al-Tanwīr*, Beirut, Arabic History Foundation, 1420 AH.
21. Ibn Hishām, ‘Abduallāh b. Yūsuf, *Mughnī al-Labīb*, Cairo, Maṭba‘a al-Madanī, 1424 AH.
22. Imīl Badī‘ Ya‘qūb, *Mawsū‘a al-Naḥw wa al-Ṣarf wa al-I’rāb*, Cairo. Dār Al-‘Ilm Lil-Malāyīn, 1400 AH.
23. Jawādī Āmolī, ‘Abdullāh, *Tasnīm*, Qom, Isrā’ Foundation.
24. Karbāsī, Muḥammad Ja‘far, *I’rāb Al-Qur’ān*, Beirut, Al-Hilāl Library, 1422 AH.
25. Majlisī, Muḥammad Bāqir b. Muḥammad Taqī, *Biḥār al-Anwār*, Beirut, Dār al-Wafā’, 1403 AH.
26. Mūsawī Sabzawārī, ‘Abdul-A‘lā, *Mawāhib al-Raḥmān*, Qom, Al-Manār Foundation, 1409 AH.
27. Nahāwandī, Muḥammad, *Nafaḥāt Al-Raḥmān*, Qom, Al-Ba‘tha,

- 1386 SAH.
28. Nasafī, ‘Abdullāh b. Aḥmad, *Madārik al-Tanzīl*, Beirut, Dār al-Nafā’is, 1416 AH.
 29. Nawawī al-Jāwī, Muḥammad b. ‘Umar, *Mirāḥ Labīd*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1417 AH.
 30. Nisābūrī, Ḥasan b. Muḥammad, *Gharā’ib Al-Qur’ān*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1416 AH.
 31. PānīPatī, Muḥammad Thanā’ullāh, *Al-Tafsīr al-Mazḥarī*, Quetta, Rushdiyya Library, 1412 AH.
 32. Qūnawī, Ismā’īl b. Muḥammad, Commentary on the *Tafsīr* of al-Bayḏāwī, Beirut, Dār al-Kutub Al-‘Ilmīyya, 1422 AH.
 33. Šālīḥ, Bahjat ‘Abdul-Wāḥid, *Al-‘Irāb al-Mufaṣṣal*, ‘Ammān, Dar al-Fikr, 1998.
 34. Shaykhli, Bahjat ‘Abdul-Wāḥid, *‘Irāb Al-Qur’ān al-Karīm*, Beirut, Dār al-Fikr, 1427 AH.
 35. ShaykhZāda, Muḥammad b. Muṣṭafā, Commentary on the *Al-Tafsīr* of Al-Bayḏāwī, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1419 AH.
 36. Sībawayh, ‘Amr b. ‘Uthmān, *Al-Kitāb*, Cairo, Maktaba al-Khānjī, 1408 AH.
 37. Šiddīq, Muḥammad, *Fatḥ al-Bayān fī Maqāṣid Al-Qur’ān*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1419 AH.
 38. Sīwāsī, Aḥmad b. Maḥmūd, *Uyūn al-Tafāsīr*, Beirut, Dār Šādīr, 1427 AH.
 39. Suyūṭī, ‘AbdurRaḥmāb b. AbīBakr, *Al-‘Itqān*, Cairo, Al-Maktaba al-Tijāriyya Al-Kubrā, 1386 AH.
 40. Suyūṭī, ‘AbdurRaḥmāb b. AbīBakr, *Mu‘tarak al-Aqrān fī Ijāz al-Qur’ān*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmīyya, 1408 AH.
 41. Ṭabarsī, Faḍl b. Ḥasan, *Jawāmi‘ al-Jāmi‘*, Qom, Al-Ḥuwza al-‘Ilmīyya Management Centre, 1412 AH.
 42. Ṭarayḥī, Fakhr al-Ddīn, *Majma‘ al-Baḥrayn*, Tehran, Al-Murtaḏawī Library, 1375 SAH.
 43. ‘Uḏayma, Muḥammad ‘Abdul-Khāliq, *Dirāsāt li Uslūb Al-Qur’ān*, Cairo, Dār al-Ḥadīth, 1404 AH.
 44. ‘Ulwān, ‘Abdullāh b. Naṣīḥ, *‘Irāb Al-Qur’ān al-Karīm*, Ṭanṭā, Dār

- Al-Ṣaḥāba li al-Turāth, 1427 AH.
45. Wā'izZāda Khurāsānī, Muḥammad, *Al-Muʿjam fi Fiqh Lugha al-Qurʾān wa SIRR-i Balāghatib*, Mshhad, Āstān Qods Razawi Researches Foundation, 1388 SAH.
46. Zamakhsharī, Maḥmūd b. ʿUmar, *Al-Kashshāf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-ʿArabī, 1407 AH.
47. Zarkashī, Muḥammad b. Bahādur, *al-Burbān fi ʿUlūm al-Qurān*, Cairo, Dār Iḥyāʾ al-Kutub al-ʿArabīyya, 1376 SAH.